

درس سوم

۱۲ تا ۱۸ ژانویه

پیام های عیسی به هفت کلیسا

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۸ تا ۱۱، باب ۲ آیات ۱۲ تا ۱۷، باب ۲ آیات ۱۸ تا ۲۹، باب ۳ آیات ۷ تا ۱۳، باب ۳ آیات ۱ تا ۶، باب ۳ آیات ۱۴ تا ۲۲؛ اشعیا باب ۶۱ آیه ۱۰.

آیه حفظی: « به آن کسی که پیروز گردد جایی در روی تخت خود خواهیم بخشید، همان طور که من پیروز شدم و با پدر بر تخت او نشستم » (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۲۱).

عیسی از پاتموس از طریق یوحنا، نامه ای با هفت پیام، برای قوم خویش می فرستد. در حالی که آن پیام ها در اصل به کلیساهای آسیا در زمان یوحنا مربوط می شدند، همچنین به طور نبوی نمادهای شرایط کلیسا در طول تاریخ را به تصویر می کشند.

مقایسه پهلوی به پهلوی این پیام ها نشان می دهد که آنان از همان ساختار شش گانه تبعیت می کنند. هر کدام با خطاب قرار داده شدن کلیسا با نام توسط عیسی آغاز می شوند. بخش دوم با عبارت مترادفی همچون « این چنین بنویس » آغاز می شود که در آن عیسی خود را به هر کدام از کلیساها با استفاده از توصیفات و نمادهای آمده در باب ۱ معرفی می کند. آن توصیف ها از عیسی متناسب با نیازهای خاص هر کلیسا بودند. از این رو، عیسی به توانایی خود در رسیدگی به چالش ها و موقعیت های مختلف ایشان اشاره نمود. پس از آن، عیسی یک ارزیابی از کلیسا ارائه می دهد و سپس کلیسا را اندرز می دهد که چگونه از مخمصه بیرون آید. در نهایت هر پیام با تمنایی برای شنیدن پیام روح و با وعده هایی برای فاتحان خاتمه می یابد.

همانطور که در تحلیل و بررسی پیام به کلیسای اول در افسس در مطالعه هفته گذشته دیدیم، و این هفته در مطالعه مان از شش پیام باقی مانده خواهیم دید، در خواهیم یافت که عیسی امید ارائه می کند و نیازهای هر کلیسا را در شرایط مختلفشان برآورده می نماید. بنابراین، او مطمئناً می تواند امروزه نیازهای ما را نیز تأمین کند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۹ ژانویه آماده شوید.

یکشنبه

۱۳ ژانویه

پیام مسیح به اسمیرنا و پرغاموس

اسمیرنا یک شهر زیبا و ثروتمند بود و البته مرکزی بود که طی حکمی پرستش امپراتور را اجباری کرده بود. عواقب نپذیرفتن این حکم موجب از دست دادن شهروندی یا جفا دیدن و حتی به شهادت رسیدن منجر می شد.

مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۸ تا ۱۱ را بخوانید. نحوه ای که عیسی خود را به این کلیسا معرفی نمود چه ارتباطی با وضعیت کلیسا دارد؟ وضعیت کلیسا چگونه بود؟ عیسی چه هشدارهای به کلیسا در رابطه با آنچه در شرف اتفاق بود، می دهد؟

پیام ارسالی به کلیسای اسمیرنا به طور نبوتی برای دوران کلیساهای پسا رسالتی کاربرد دارد، هنگامی که مسیحیان بطور وحشیانه توسط امپراتوری روم مورد آزار و جفا قرار می گرفتند، به طور نبوتی مربوط می شود. « ده روز » بیان شده در مکاشفه یوحنا باب ۲ آیه ۱۰ به ده سال آزار و اذیتی که توسط دیوکلستین از سال ۳۰۳ پس از میلاد مسیح تا سال ۳۱۳ پس از میلاد مسیح ادامه یافت، اشاره می کند، زمانی که کنستانتین بزرگ فرمان میلان را صادر نمود که به مسیحیان آزادی مذهبی می داد.

پرغاموس [پرغامه] مرکز فرقه های گوناگون بت پرستی بود، از جمله فرقه اسقلپیوس، بت شفای یونانی بود که «منجی» نامیده می شد و نماد آن یک مار بود. مردم از همه جا به معبد اسقلپیوس می آمدند تا شفا بگیرند. پرغاموس نقشی راهبردی در ترویج فرقه پرستش پادشاه داشت، که همچون اسمیرنا پرستش آن اجباری بود. جای تعجب نیست که چرا عیسی گفت که مسیحیان در پرغاموس در شهری زندگی می کنند که شیطان کرسی دارد و جایی است که سریر او در آنجا قرار دارد.

مکاشفه ۲: ۱۲-۱۵ را بخوانید. عیسی خود را چگونه به این کلیسا معرفی می کند؟ ارزیابی او از وضعیت روحانی آن چه بود؟

مسیحیان در پرغاموس با وسوسه هایی از بیرون و هم از درون مواجه بودند. در حالی که بسیاری از آنان وفادار باقی ماندند، برخی، همچون «نقولاویان»، از ترس آزار و شکنجه، با بت پرستی سرسازش فرود آوردند. همچون بلعام، که در مسیر سرزمین موعود، اسرائیل را با ارتداد فریفته و بر ضد خدا گناه ورزید (اعداد ۳۱: ۱۶)، این اعضا مناسب تر دیدند و حتی آنرا بعنوان پاداشی در نظر گرفتند که ایمان خود را به خطر بیندازند. گرچه شورای اورشلیم «پیشکش به بت ها» و «روابط شنیع غیر اخلاقی» را قدغن ساخته بود (اعمال رسولان ۱۵: ۲۹)، اصول اعتقادی بلعام، اعضای کلیسا را فریفته بود تا تصمیم شورا را نادیده در نظر بگیرند. تنها راه حلی که عیسی می تواند به پرغاموس ارائه کند: «توبه» است (مکاشفه ۲: ۱۶).

کلیسای پرغاموس تصویری نبوتی از کلیسا طی سالهای ۳۱۳ تا ۵۳۸ میلادی است. اگرچه برخی اعضا در کلیسا وفادار باقی ماندند، زوال روحانی و ارتداد سرعت افزایش یافت.

در (مکاشفه یوحنا باب ۲ آیه ۱۳؛ باب ۱۴ آیه ۱۲ را نیز ببینید)، ایمان مرا انکار نمودید چه معنی است؟ چگونه عدم انکار ایمان به ما کمک می کند تا در برابر سازش مقاومت کنیم و «تا پای مرگ وفادار باشیم» باشیم؟ (مکاشفه ۲: ۱۰).

دو شنبه

۱۴ ژانویه

پیام مسیح به طباطیرا

در مقایسه با سایر شهرها، طباطیرا هیچ اهمیت سیاسی یا فرهنگی نداشت. علاوه بر این، کلیسا ظلمانی شده بود. به منظور اداره کردن یک کسب و کار یا داشتن یک شغل، در امپراتوری روم مردم باید عضو یک صنف تجاری می‌بودند. طباطیرا بالاخص برای اجرا و اعمال این التزام مشهور بود. اعضای صنف مجبور بودند تا در ضیافت‌ها شرکت جسته و در مراسم تشریفاتی معبد حضور بهم می‌رساندند، که اغلب شامل اعمال ناپسند و شنیع بود. کسانی که همراهی و پیروی نمی‌کردند با اخراج از صنف روبرو بوده و تحریم اقتصادی می‌شدند. برای مسیحیان آن زمان، این معنی را می‌داد که بین سرسپردگی و سازش کامل یا محروم شدن کامل برای خاطر انجیل، یکی را انتخاب کنند.

مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۸ تا ۲۹ را بخوانید. عیسی چگونه خود را به کلیسای طباطیرا معرفی می‌کند (دانیال باب ۱۰ آیه ۶ را نیز ببینید)؟ عیسی فرمان داده بود تا کلیسا از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد و مشکلات پیش رو برای اجابت چنین خواسته‌ای چه بودند؟

مانند کلیسای پرغاموس، کلیسای طباطیرا مجبور شده بود تا با محیط کفر و بت پرستی سازش شد. نام ایزابل به همسر پادشاه احاب اشاره دارد که باعث ارتداد اسرائیل شد (اول پادشاهان باب ۱۶ آیات ۳۱ تا ۳۳). عیسی او را به عنوان فاحشه‌ای روحانی به تصویر می‌کشد (مکاشفه ۲: ۲۰). آن اعضای کلیسا که حقیقت را زیر پا گذاشت و ایده‌های «ناپاک» بت پرستی و الحاد را پذیرفت، مرتکب زنای روحانی شد.

کلیسای طباطیرا نماد وضعیت مسیحیت بین سالهای ۵۳۸ تا ۱۵۸۵ بود. در خلال این دوران، خطری که امت خدا را تهدید می‌کرد از بیرون کلیسا نبود بلکه از درون بود. سنت‌ها و رسوم جای کتاب مقدس را گرفت، کهنات بشری

و آثار مقدس جای کهانت مسیح را گرفت و اعمال بعنوان وسیله ای برای رستگاری در نظر گرفته شد. کسانی که تأثیرات فاسد کننده را نپذیرفتند، شکنجه شده و حتی کشته شدند. برای قرن ها، کلیسای راستین مامن خود را در بیابان ها یافت (مکاشفه ۱۲: ۶، ۱۳، ۱۴ را ببینید). ولی عیسی کلیسای طیاطیرا را برای ایمان و محبتی که داشتند ستود، کارها و خدمات – اشاره به اصلاحات و شروع بازگشت به کتاب مقدس داشت.

درباره کلام مکاشفه باب ۲ آیه ۲۵ بیانید: « آنچه دارید تا زمانی که من می آیم محکم نگاه دارید ». معنای این کلمات برای ما به طور فردی و جمعی چیست؟ ما چه چیزی از عیسی داریم که باید آنرا محکم نگاه داریم؟

۱۵ ژانویه

سه شنبه

پیام مسیح به کلیسای سارد

سارد تاریخی باشکوه داشت. اما در دوران روم، این شهر اعتبار و منزلت خود را از دست داد. در حالی که شهر همچنان از تمول بهره مند بود، شکوه و جلال آن ریشه در تاریخ گذشته آن داشت و نه در واقعیت حاضر آن. شهر کهن بر بالای تپه ای با شیب تند ساخته شده بود و از این رو، تقریباً غیر قابل رسوخ بود. شهروندان چنان احساس امنیت می کردند که از دیوارهای شهر با بی دقتی محافظت می شد.

مکاشفه یوحنا باب ۳ آیات ۱ تا ۶ و متی باب ۲۴ آیات ۴۲ تا ۴۴ و اول تسالونیکیان باب ۵ آیات ۱ تا ۸ را بخوانید. آن سه چیزی که عیسی از مسیحیان سارد می خواهد به عنوان علاجی برای وضعیت روحانی خود انجام دهند، کدامند؟ هشدار عیسی به مراقب بودن چگونه با پیشینه تاریخی شهر ارتباط دارد؟

در حالی که عیسی تنها چند مسیحی را در کلیسای سارد وفادار می‌داند، اکثر آن‌ها مرده روحانی بودند. کلیسا به هیچ گناه یا ارتداد علنی متهم نمی‌شود (مانند کلیساهای پرغامس و طباطیرا)، بلکه متهم به رخوت روحانی است.

پیام به کلیسای سارد به طور مؤثر بر وضعیت روحانی پروتستان‌ها در دوران پس از اصلاحات، تقریباً بین سالهای ۱۵۶۵ تا ۱۷۴۰ منتسب می‌گردد، زمانی که کلیسا به تشریفات مرده و خودباوری روحانی تنزل یافت. تحت تأثیر سیل فلسفه عقل گرایی و سکولاریزم [دنیاگرایی]، تمرکز کلیسا از فیض انجیل و تعهد به مسیح کاهش یافت و جای خود را به کیش و بحث های خشک فلسفی داد کلیسا در این دوره اگر چه زنده به نظر می‌رسید، اما در واقع از نظر روحانی مرده بود.

پیام مسیح به سارد برای تمامی نسل های مسیحی کاربرد دارد. مسیحیانی وجود دارند که همیشه با عبارات شکوهمندانه از گذشته وفادارانه خود به مسیح سخن می گویند. متأسفانه چنین مسیحیانی چیز زیادی در خصوص تجربه خود با مسیح برای گفتن ندارند. مذهب آنان اسمی است، و فاقد مذهب راستین تعهد اصیل به انجیل است.

با همواره نگه داشتن حقیقت بزرگ نجات از طریق ایمان محض به مسیح، به چه روش‌هایی می‌توانیم بگوییم که اعمالمان در مقابل خدا بی عیب نبوده‌اند؟ معنای آن چیست و چگونه می‌توانیم اعمال خود را در برابر خدا بی عیب کنیم؟ متی باب ۵ آیات ۴۴ تا ۴۸ را ببینید.

۱۶ ژانویه

چهارشنبه

پیام مسیح به کلیسای فیلادلفیا

آخرین کلیسایی که توسط عیسی مورد خطاب قرار گرفت، کلیسای فیلادلفیا بود (یعنی محبت برادرانه). شهر در شاهراه تجاری قرار داشت و بعنوان دروازی در نظر گرفته می شد - دروازه ای گشوده به یک فلات وسیع حاصلخیز. کاوش ها حاکی از این است که فیلادلفیا مرکزی بود که مردم برای سلامت و شفا به آنجا می آمدند. ساکنان شهر بخاطر زمین لرزه های مکرر به خارج از شهر نقل مکان کرده و در کلبه های محقر زندگی می کردند. مکاشفه یوحنا باب ۳ آیات ۷ تا ۹ را بخوانید. روشی که عیسی خود را در این پیام معرفی می کند،

چگونه به وضعیت این کلیسا مرتبط است؟ بیانه عیسی در باره « قدرت کمی داری » (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۸)، چه چیزی درباره وضعیت کلیسا می گوید؟

پیام به این کلیسا بطور نبوتی به احیای بزرگ مکتب پروتستان در خلال بیداری اول و دوم اطلاق می شود که در بریتانیای کبیر و امریکا در بین سالهای ۱۷۴۰ تا ۱۸۴۴ اتفاق افتاد. تاکید رو به رشدی بر اطاعت از احکام خداوند و زندگی پاک شده است. «درب گشوده» بظاهر راهی به سوی قدس آسمانی است، بخاطر اینکه در آن «معبد خدای من» نیز اشاره شده است (مکاشفه ۳: ۱۲، را با مکاشفه ۴: ۱ و ۲ مقایسه کنید). یک در بسته شد و در دیگری باز شد اشاره به تغییری دارد که در خدمت کهنات اعظمی مسیح در سال ۱۸۴۴ بوقوع پیوست.

مکاشفه ۳: ۱۰-۱۳ را بخوانید. چه نشانه هایی داده شده است مبنی بر اینکه زمان کوتاه است و اینکه آمدن مسیح نزدیک شده است؟ اهمیت و برجستگی نام خدا که بر امت وی نوشته شده است چیست (دوم تیموتائوس ۲: ۱۹)؟ اگر نامی معرف شخصیت و ویژگی یک فرد باشد، خروج ۳۴: ۶ در باره کسانی که نام خدا را حمل می کنند چه می گوید؟

احیای بزرگ در کلیساها در هر دو سوی اقیانوس اطلس اتفاق افتاد. در سال هایی که به ۱۸۴۴ ختم می شد، پیام آمدن قریب الوقوع مسیح در بسیاری از قسمت های جهان اعلان گردید. وعده خدا برای نوشتن نام خود بر کسانی که ظفر یافته اند، حاکی است که شخصیت و ویژگی های خدا در امت وی دیده خواهد شد. درست به همان اندازه که پیام آمدن قریب الوقوع مسیح صادق است، پیامی که مسیح وعده می دهد که گناهان آنان را بخشیده و احکام آنان را بر وی قلبهای آنان می نویسد، امت خود را برای واقعه ای عظیم آماده می سازد (فیلیپیان ۱: ۶؛ عبرانیان ۱۰: ۱۶ و ۱۷ را ببینید).

امید بازگشت قریب الوقوع مسیح چه معنایی برای شما دارد؟ وعده به کمال رسانیدن کاری که مسیح شروع کرده، چه تضمینی به شما می دهد؟

پنجشنبه

۱۷ ژانویه

کلیسای لائودیکیه

آخرین کلیسای مورد خطاب عیسی در لائودیکیه بود، شهری ثروتمند که در مسیر راه اصلی بازرگانی قرار داشت. این شهر برای صنعت تولید پشم، بانک‌هایش (که مقادیر زیادی طلا در آن‌ها نگهداری می‌شد) و مدرسه پزشکی – دارویی، که داروی مرهم چشم تولید می‌کرد. این ثروت باعث خودکفایی شهروندان شده بود. در حدود سال ۶۰ پس از میلاد مسیح، هنگامی که یک زلزله شهر را ویران کرد، شهروندان پیشنهاد کمک از روم را رد کردند و مدعی شدند که خود می‌توانند از پس موقعیت برآیند. از آنجایی که شهر فاقد آب بود، آب شهر از طریق قناتی تأمین می‌شد که از چشمه‌های گرم از هیراپولیس می‌آمد. و از آنجایی که این مکان از لائودیکیه دور بود، آب در زمان که به شهر می‌رسید ولرم بود.

مکاشفه یوحنا باب ۳ آیات ۱۴ تا ۱۷ و هوشع باب ۱۲ آیه ۸ را بخوانید. روحیه خودکفایی شهر چگونه به مسیحیان لائودیکیه رسوخ نمود؟

عیسی، مسیحیان لائودیکیه را برای گناهی جدی، همچون ارتداد یا کفر سرزنش نکرد. بلکه مشکل آن‌ها «خشنودی از خویشان» یا «خود نیک پنداری» بود که به رخوت روحانی سوق داده شده بود. آن‌ها مانند آبی که به شهر می‌رسید، نه سرد و با طراوت بودند و نه داغ، بلکه ولرم بودند. آن‌ها مدعی شدند که ثروتمند هستند و به چیزی نیاز ندارند؛ با این حال، نسبت به وضعیت روحانی خود فقیر، عریان و نابینا بودند.

کلیسای لائودیکیه وضعیت روحانی کلیسا که در شرف خاتمه تاریخ زمین قرار دارد را نمادین می‌سازد، همانگونه که برخی ارتباط‌ها را در بخش‌های آخر زمان مکاشفه نشان می‌دهد. یکی از این پیوندها، همانگونه در هشدار عیسی بصورت تأکیدی در مکاشفه ۱۶: ۱۵ داده شده، به «جامه‌های سفید» باز می‌گردد چرا که «کلیسای

لائودیکیه که از نظر روحانی عریان است نیاز به عدالت مسیح دارد تا خود را بپوشاند « (مکاشفه ۳: ۱۸ را بخوانید). هشدار به کسی که جامه های خود را نگاه دارد تا عریان راه نرود در این وسط به نبرد روحانی آرماگدون [جنگ نهائی میان خیر و شر] ارجاع می شود. زمان گزینی عیسی ممکن است در ابتدا بنظر عجیب بیاید، بخاطر اینکه بیش از این امکان دریافت این جامه ها ممکن نیست. با این وجود، دوره آزمایش و سنجش برای همه تمام خواهد شد. هشدار نگاه داشتن جامه در ارتباط با بلای هفتم و آرماگدون [نبرد نهایی بین خیر و شر] پدیدار می گردد بدلیل اینکه عیسی می خواهد تا به لائودیکیه یادآوری کند پیشاپیش برای نبرد دهشتناک آماده باشد – قبل از اینکه خیلی دیر شده باشد. از این رو، مکاشفه ۱۶: ۱۵ اهالی کلیسای لائودیکیه را هشدار می دهد تا که چنانچه از گوشسپاری به انرزه های عیسی غفلت و قصور کنند و در عوض عریانی را انتخاب نمایند (مکاشفه ۳: ۱۷ و ۱۸)، از دست خواهند رفت، و در زمان آمدن او خجل خواهد شد (اول یوحنا ۲: ۲۸ تا ۳: ۳).

عیسی به کلیسای لائودیکیه اطمینان می دهد که آن ها را دوست دارد. او از آنان می خواهد تا توبه کنند (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۱۹). او درخواست خود را با به تصویر کشیدن خود به عنوان عاشق در غزل غزل های سلیمان باب ۵ آیات ۲ تا ۶ که کنار در ایستاده، در می زند و تقاضا دارد که وارد شود، به پایان می رساند (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۲۰). او به تمام کسانی که در را باز کرده و به او اجازه ورود بدهند، وعده داده است تا در سفره ای صمیمی با او غذا بخورند، و در نهایت، با او در عرش حکمرانی کنند (مکاشفه ۲۰: ۴).

مکاشفه یوحنا باب ۳ آیات ۱۸ تا ۲۲ را بخوانید. عیسی چه اندرزی به کلیسای لائودیکیه ارائه می دهد؟ طلا، جامه سفید و مرهم چشم نماد چه چیزهایی هستند؟ (اول پطرس باب ۱ آیه ۷؛ اشعیا باب ۶۱ آیه ۱۰؛ افسسیان باب ۱ آیات ۱۷ و ۱۸ را ببینید)؟ همه این ها به ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم که خود را کلیسای لائودیکیه می دانیم، چه می گوید؟

۱۸ ژانویه

جمعه

تفکری فراتر: مکاشفه، صفحه ۵۷۸ تا ۵۹۲ را از کتاب اعمال رسولان، نوشته الن جی وایت بخوانید.

هفت پیام به کلیساها، نشان دهنده زوال روحانی در این هفت کلیسا می باشد. کلیسا در افسس همچنان وفادار بود، اگر چه علاقه اولیه خود را از دست داده بود. کلیساها در اسمیرنا و فیلادفیا تا حد زیادی وفادار بودند. پرمغوس و

طباطبایا بیشتر و بیشتر سازش کردند تا اینکه جمعیت کثیری از ایمانداران آن کلیساها بطور کامل از ایمان خالص شاگردی به ارتداد کشیده شدند. کلیسای سارد در وضعیت بحران جدی بود. تعداد کثیری از مسیحیان این کلیسا با انجیل توازن و هماهنگی نداشتند، در حالی که فیلادفیا معرف تعداد خیلی از ایمانداران بود. کلیسای لائودیکیه در چنان وضعیت رخوت روحانی و خود شیفتگی بود که چیز خوبی نمی توان درباره آن کلیسا گفت.

عیسی در خاتمه هر پیام، به کلیساهایی که نصیحت وی را می پذیرند وعده هایی می دهد. با این وجود، ممکن است چنین مشاهده شود که همراه با شواهد مبنی بر زوال در کلیساها، افزایشی درخور توجهی در وعده های داده شده وجود دارد. افسس که عیسی به او اولین پیام را می دهد، تنها یک وعده دریافت می کند. در حالی که هر کلیسا مسیر نزولی روحانی را دنبال می کند، هر یک نسبت به کلیسای قبلی، وعده های بیشتری دریافت می کند. در نهایت، کلیسای لائودیکیه در حالی که تنها یک وعده دریافت نمود، بزرگترین وعده را بدست آورد: سهم شدن در بارگاه عیسی (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۲۱).

سوالاتی برای بحث

۱- افزایش وعده ها به هر یک از کلیساها در توالی، همراه با زوال روحانی در کلیساها، بیانیه ای را بازتاب می دهد که هنگامی که گناه افزایش می یابد، فیض به وفور ارزانی می شود (رومیان باب ۵ آیه ۲۰)؟ به آن وعده در پرتو بیانیه ای بیندیشید که می گوید « کلیسا هر چقدر هم که ضعیف و دارای عیب باشد، تنها هدف بر روی زمین است که مسیح اهم توجه خود را بر آن معطوف می دارد ». او دائماً آن را با اشتیاق محافظت کرده و بوسیله روح القدس تقویت می سازد « - الن جی. وایت، ...

-Ellen G. White, *Selected Messages*, book 2, p. 396.

۲- مسیحیان اغلب می گویند که در شهرهای صنعتی، تجاری و کلانشهرها، مسیحی بودن دشوار است. از این واقعیت که در شهرهای کامیاب در آسیا مسیحیانی بودند که به انجیل وفادار ماندند و در زیر فشارهای محیط کفر ضعیف نشدند، چه چیزی می توان آموخت؟ به مسیحیان آسیا با توجه به دعای عیسی در یوحنا باب ۱۷ آیات ۱۵ تا ۱۹ بیاندیشید. مفهوم در جهان بودن اما از

جهان نبودن چگونه در مورد مسیحیان امروزی بویژه کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند، اعمال می شود؟

۳- ما ادونتیست های روز هفتم چگونه می توانیم به کلام داده شده به خودمان در پیام ارسال شده به لائودیکیان بهتر اعتنا و توجه کنیم؟